

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی دوره ایلخانی*

مژگان خان‌مرادی^۱

چکیده

در دوره ایلخانی با آنکه شهرسازی و عمران در زمان هلاکو آغاز گردید، اما در دوره اولجایتو به بلندی رسید؛ به گونه‌ای که وی چهار شهر به نام‌های سلطانیه، سلطان‌آباد چمچمال، اولجایتوآباد و آق‌قلعه را ساخت. آگاهی از ضروریات و نیازهای یک شهر سلطنتی یا پایتخت، استفاده از تجارب موفق شهرسازی غازان، به ارث بردن خزانه‌ای غنی، وجود نیروی متخصص و کارگرانی مایل به عمران، سبب ترغیب شهریار ایلخانی به شهرسازی گردید. برخلاف عصر غازانی که شهر جدید در کنار شهرهای قدیم شکل می‌گرفت، در این دوره شهر جدید، هویت کاملاً مستقلی داشت. با این وجود در اصول شهرسازی کاملاً پیرو سنن شهرسازی ایرانی-اسلامی بود و در ایجاد فضاهای شهری به تمام نیازهای شهرنشینان توجه می‌شد که در این بین سلطانیه نمونه کامل و سرآمد شهرهای نوین به شمار می‌رود. صدور فرمان ساخت شهر توسط ایلخان و طرح از پیش تعیین شده شهر یکی از نکات درخور توجه در شهرسازی عصر اولجایتو است. پژوهش پیش رو در پی آن است تا با استفاده از متون تاریخی برجای مانده و داده‌های باستان‌شناختی موجود، تصویری کلی از شهرسازی در روزگار اولجایتو و عوامل موثر بر شکل‌گیری شهرها ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: ایلخانی، اولجایتو، شهرسازی، سلطانیه، سلطان‌آباد چمچمال، ابواب البر.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۳۰

m_khanmo@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱. دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تهران، گرایش دوران تاریخی.

۱. مقدمه

به استناد منابع تاریخی و باستان‌شناختی روند تحولات عمران و شهرسازی در دوره ایلخانی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: دوره اول که از حمله چنگیز تا آغاز حکومت هلاکو به طول می‌انجامد، با تخریب شهرها و افول شهرسازی همراه است. ظاهراً فقط اوکتای، جانشین چنگیز، به آبادانی علاقه داشت و به دستور وی شهرهای بخارا، ترمذ، نیشابور و هرات، آباد شدند (اشپولر، ۱۳۶۵: ۴۴۶). دوره دوم از زمان هلاکو تا ارغون ادامه دارد و مهمترین اقدامات این دوره عبارتند از: مرمت خوبشان و ساخت رصدخانه مراغه در دوره هلاکو، ساخت عماراتی در تخت سلیمان و بازسازی اصفهان در دوره آباقا (اللهیاری، ۱۳۸۳: ۳۹). در دوره‌های پیش رو عوامل مختلفی سبب رکورد شهرسازی گردید. برخی از آنها عبارتند از: عدم آشنایی مغولان با اصول شهرسازی و شهرنشینی، تحمیل مالیات سنگین بر کسبه و پيله‌وران شهری، بیگاری کشیدن از مردم (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹)، مهاجرت هنرمندان، صنعتگران و مردم به مناطق امن، ناامنی در مناطق مختلف و سرکوب گاه و بیگاه اعتراضات مردمی. دوره سوم، از حکومت ارغون تا بر تخت نشستن غازان را در بر می‌گیرد. دستور ساخت شهر سلطانیه توسط ارغون، بازسازی محلات تبریز توسط وی و ساخت شهر فتلغ بالیغ توسط گیخاتو (همدانی / ۲، ۱۳۳۸: ۱۱۹۶) از اقدامات مهم این دوره است. دوره چهارم که از دوره غازان آغاز می‌شود و تا پایان حکومت ایلخانی ادامه دارد؛ نقطه اوج نهضت شهرسازی این روزگار است. در این دوره شهرک‌ها و شهرهایی موسوم به ابواب البر عموماً بر گرد مقبره بانی آن شکل گرفت. این تحول با ساخت شب غازانی در تبریز آغاز گردید. خواجه رشیدالدین نیز ربع رشیدی را به همین شیوه ساخت. ربع رشیدی از مقبره بانی، روضه، خانقاه، بیمارستان، دارالضیافه، مصلی، مدارس، دارالحججاج، دارالحفاظ، حمام، مساجد، کتابخانه، دارالضرب، کارخانه پارچه‌بافی، باغ، کاروانسرا و غیره تشکیل شده بود. در ساخت این دو مجموعه که به صورت شهرک‌هایی در کنار تبریز قرار داشتند، از تجارب شهرسازی ایرانی و اسلامی استفاده گردید. اولجایتو نیز پس از ساخت و سازهای موفقیت‌آمیز غازان و رشیدالدین، با استفاده از تجارب آنان به شهرسازی روی آورد و چندین شهر بنیان گذاشت که در ادامه به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

۱-۱. بیان مسئله

تا پیش از حمله مغولان به ایران، شهرسازی و شهرنشینی از رشد مطلوبی برخوردار بود، ولی با حمله برق‌آسای مغولان نه تنها شهرهای آباد ایران ویران شده، بر اثر ناامنی رو به ویرانی گذاشتند، بلکه عمران و شهرسازی به کمترین حد ممکن در تاریخ این سرزمین رسید. پس از آشنایی ایلخانیان با شهرنشینی و حمایت وزرای ایرانی، اندک اندک

فعالیت‌های شهرسازی از سر گرفته شد. در متون مختلف به فعالیت‌های ارغون، غازان و پس از ایشان اولجایتو اشاره شده است. مسئله این پژوهش بررسی جایگاه اولجایتو در تغییر و تحولات شهرسازی ایران دوره ایلخانی است. پرسش اصلی این پژوهش عوامل توجه اولجایتو به شهرسازی و اقدامات وی در این زمینه است. در این نوشتار با استفاده از منابع تاریخی و اطلاعات به دست آمده از بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی به بررسی نقش و جایگاه این حاکم ایلخانی و اقدامات وی در باب شهرسازی پرداخته شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشگران بسیاری با تألیف آثار در قالب کتاب و مقاله سعی در معرفی و شناساندن ویژگی‌های معماری و فضایی سلطانیه کرده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان به ثبوتی (۱۳۷۰)، مخلصی (۱۳۶۹)، میرفتاح (۱۳۶۶)، الف وب (مهریار و همکارانش (۱۳۶۵)، بلر (۱۳۹۰) و رضوان و کریمیان (۱۳۹۳) اشاره نمود. اولین پژوهش درباره سلطانیه چمچمال نیز اثری است از مترجم و محمدی‌فر (۱۳۸۴) که به مکان‌یابی این شهر پرداخته‌اند. در سال ۱۳۹۱ چهری و گراوند نیز در مقاله‌ای بر اساس نتایج بررسی خود این شهر را در جای دیگری از دشت بیستون مکان‌یابی کرده‌اند. لباف خانیکی نیز در ۱۳۶۷ محوطه آق قلعه را مورد کاوش قرار داد و آن را به دوره اولجایتو نسبت داد. لازم به ذکر است که پژوهش‌های پیش گفته به صورت تک‌نگاری بوده است و تاکنون به طور منسجم و در قالب یک پژوهش مستقل به اقدامات شهرسازی اولجایتو پرداخته نشده است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

بدون شک ایجاد یک شهر در هر دوره‌ای نیازمند امنیت، فراهم آوردن شرایط اقتصادی و وجود زیرساخت‌ها و امکانات از یک طرف و استفاده از دستاوردها و تجارب پیشینیان از سوی دیگر است. در این میان بانیان و بنیانگذاران شهرها که با انگیزه‌های مختلف به چنین کاری اقدام می‌کنند، بسیار مورد توجه هستند. ضرورت طرح این مسئله و تحقیق و پژوهش درباره آن، از آنجا مطرح می‌شود که بنا به گزارش متون برجای مانده تاریخی، جغرافیایی و ... به فرمان اولجایتو چندین شهر در سرتاسر ایران از شرق تا غرب و از مرکز تا شمال غرب آن ایجاد شده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی علل توجه اولجایتو به شهرسازی و عمران و آبادی و عوامل یاریگر وی در این راه است. در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از منابع تاریخی و باستان‌شناسی موجود، شهرهای ایجاد شده در روزگار این حکمران برای اولین بار در قالبی منسجم معرفی و بررسی شوند. همچنین با توجه به مشاهدات نگارنده و یافته‌های سطحی موجود در دشت بیستون، به مکان‌یابی شهر سلطان آباد چمچمال، که از مهمترین شهرهای ایجاد شده توسط اولجایتو است، اقدام گردد.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. اولجایتو و اقدامات شهرسازی

هرچند در زمان اولجایتو، مغولان تا حدود زیادی شیوه چادرنشینی را کنار گذاشته بودند اما این خصیصه آبا و اجدادی در اولجایتو نیز تا حدی وجود داشت. به استناد متون تاریخی وی در مواقعی از سال علاوه بر پایتخت، در جاهای خوش آب و هوا اقامت داشت (ن.ک: کاشانی، ۱۳۴۸). باین حال همانند پدرش ارغون و برادرش غازان به شهرسازی مایل بود. او اولین بار در سال ۷۰۴ ه.ق در جمع امرای حکومتی از ناتمام ماندن شهر پایه‌ریزی شده پدر و لزوم به اتمام رسانیدن آن سخن گفت (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۸). شهر قنقراولنگ که از آن پس سلطانیه نامیده شد، چنان توسط وی و امرایش تکمیل و ساخته شد که نام اولجایتو به عنوان سازنده، به شایستگی بر آن نقش بست؛ شهری دارای تمام عناصر شهری مورد نیاز که به پایتختی او انتخاب و در آن روزگار شهره گشت. اولجایتو در دوران حکمرانی چهار شهر ساخت که عبارتند از: سلطان‌آباد چمچمال، اولجایتوآباد و آق‌قلعه. منابع مهم در شناسایی شهرهای این دوره سه منبع مطالعاتی سودمند اعم از سفرنامه‌ها، نوشته مورخان و یافته‌های باستان‌شناسی است. در این میان گزارش‌های مورخان معاصر ایلخانیان از جمله وصاف‌الحضره، ابوالقاسم کاشانی، حمدالله مستوفی، شمس‌الدین آملی و فخرالدین داوود بناکتی اهمیت بسیار دارد. این افراد نویسندگان و دیوانسالاران دربار ایلخانی محسوب می‌شدند. در این بین کاشانی (القاشانی)، وقایع‌نویس مخصوص اولجایتو، بیشترین توصیفات را در این زمینه ارائه کرده است. اثر او وصاف‌الحضره نزدیک‌ترین اثر به زمان احداث بنای سلطانیه و از این رو منبعی دست اول برای این تحقیق محسوب می‌شود هرچند برخی گزافه‌گویی‌های وی مانع ارائه اطلاعات درست و دقیق است. آملی نیز وصف شهر سلطانیه را در کتاب خویش آورده است (بلر، ۱۳۹۰: ۱۰۵ و ۱۰۶). با این حال نمی‌توان جزئیات ارائه‌شده توسط خواجه رشیدالدین، حافظ ابرو مورخ عصر تیموری، می‌خواند، و حتی خواندمیر را نادیده گرفت. در میان آثار سیاحان نیز کلاویخو، کرپورتر، اولناریوس و طرح‌های نضوح مطراقچی که در سال ۹۴۰ ه.ق از سلطانیه تصویر شده است، از اهمیت خاصی برخوردارند.

۲-۲. شهرهای احداث شده توسط اولجایتو

۲-۲-۱. سلطانیه

اولین و مهمترین شهری که اولجایتو به احداث آن دست زد شهر سلطانیه است. بر طبق اسناد تاریخی تا پیش از هجوم مغولان، سلطانیه بیلاقی با مرغزارها و آبادی‌های فراوان در اطراف بوده که مغولان پس از پایتختی تبریز برای شکار در ایام تابستان بدانجا می‌رفتند و چادر می‌زدند. آنجا را قنقراولانگ (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۷)، به معنای مرغزار خاکستری

(بویل، ۱۳۸۱:۳۳۶) و همچنین ایقرئولن به معنای چمنزار یا شکارگاه شاهین می‌نامیدند (مخلصی، ۱۳۶۹:۳). با این اوصاف این منطقه با ویژگی‌های زندگی مغولان سازگاری داشت (اشپولر، ۱۳۶۵:۵۷). بنابر اطلاعات متون، ارغون پس از مشورت با بزرگان دستور طراحی و ساخت قنقوراولانگ را در سال ۶۸۰ ه.ق داد (کاشانی، ۱۳۴۸:۴۵-۴۸؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰:۶۹). با مرگ ارغون، ساخت شهر متوقف شد اما به امر اولجایتو از سال ۷۰۴ ه.ق کار از سر گرفته شد و طی ده سال با نام سلطانیه ساخته شد (آملی، ۱۳۳۷:۸؛ و صاف الحضره، ۱۳۴۶:۲۵۵).

عوامل متعددی در ایجاد شهر سلطانیه به عنوان پایتخت مؤثر بود که این موارد عبارتند از:

- ۱- موقعیت جغرافیایی: این منطقه به لحاظ قرار گرفتن در محل تلاقی معابر طبیعی شمال (گیلان) و مناطق غربی، آذربایجان، اران(الران) و همچنین جایگاه آن نسبت به متصرفات غربی امپراتوری ایلخانی از نظر سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت است (ثبوتی، ۱۳۷۰:۱۸)
- ۲- دارا بودن شرایط آب و هوایی مناسب: منابع فراوان آب‌های زیرزمینی، زمین‌های مرغوب کشاورزی و بنابر گفته حمدالله مستوفی علفزارهای به غایت خوب و فراوان و شکارگاه‌های نیکو (مستوفی، ۱۳۳۶:۱۴۵) ۳- عامل اقتصادی: نظم خاص جمع‌آوری درآمدها، برجای ماندن خزانه غنی غازان ۴- حضور وزرای ثروتمند و عمران‌دوست ۵- کسب منافع اقتصادی: اولجایتو با پایتخت قرار دادن سلطانیه و ایجاد یک شهر تجاری می‌توانست بر منابع عظیم مالیاتی نیز تسلط یابد؛ چنان‌که بنابر گفته کلاویخو، این شهر از لحاظ بازرگانی و داد و ستد از تبریز مهم‌تر بود (کلاویخو، ۱۳۶۶:۱۲۶). ۶- نشان‌دادن برتری خویش در زمینه معماری و شهرسازی بر ایلخانان قبلی: سلطانیه بر خلاف سایر شهرک‌های ساخته شده توسط ایلخانان پیشین و ورزای ایشان، شهری کامل و مستقل و مهم‌تر از همه پایتخت حکومتی بود و تمام زیرساخت‌ها و شاکله‌های مورد نیاز شهری را به بهترین وجه دارا بود. ۷- تکمیل کار ناتمام پدر ۸- برجای گذاشتن نام نیکو و حیات جاودانی از طریق ساختن بناهای ماندگار (حمزه‌لو، ۱۳۸۱:۴۴) ۹- بالابردن قدرت نظارت بر مناطق مرکزی (رضوان و کریمیان، ۱۳۹۳:۴۳). در مجموع می‌توان چنین استنتاج نمود که ایجاد و بنیاد شهر برای بانی آن شأن و منزلت سیاسی و اجتماعی به ارمغان می‌آورد. حال اگر این شهر به عنوان پایتخت سیاسی بانی و فرمانروا نیز برگزیده می‌شد، اهمیت آن دو چندان می‌شد و به نوعی شهرت و نامداری را برای بانی هم در زمان احداث و هم در آینده در پی داشت.

اولین اقدام اولجایتو کوچ‌دادن صنعتگران به همراه زن و فرزند از مناطق مختلف ایران به سلطانیه و فراهم آوردن لوازم و امکانات مورد احتیاج توسط ایلچیان از سراسر کشور بود (وصاف الحضره، ۱۳۴۶:۲۵۴). از آنجا که قبلاً سلطانیه بر اساس نقشه از پیش تعیین شده

۲۴/ نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی...

بنیانگذاری شده بود، قلعه (ارگ) و بعداً خندق، شاخص گسترش شارستان (شهرستان) قرار گرفت. باروی شهر که در زمان ارغون به طول دوازده هزار گام بنا شده بود در زمان اولجایتو تا ۳۰ هزار گام گسترش یافت (مستوفی، ۱۳۳۶: ۵۵). طی بررسی‌های باستان‌شناسی محدوده سلطانی به طول ۵ و به عرض ۳ کیلومتر تخمین زده شد و بارو و برج‌های شانزده گانه آن شناسایی گردید. بر اساس این مطالعات برج و بارو در دو مرحله ساخته شده و احتمالاً بخشی از آن در زمان ارغون و قسمت دیگر در دوره اولجایتو بنا شده است. بر روی سنگ‌های سبز رنگ به کار رفته در باروی جنوبی، علائمی همانند علائم حجاری دوران اشکانی و ساسانی حجاری شده است (مهریار و دیگران، ۱۳۶۵: ۲۱۰). البته می‌توان از روی طرح‌های برجای مانده مانند طرح کرپورتر، نحوه نامسازی برج و بارو را مشاهده نمود (تصویر ۱). قلعه، درون بارو ایجاد شده و خندقی در فاصله این دو قرار دارد که آثاری از آن به دست آمده است (میرفتاح، ۱۳۷۴/الف: ۵۵۲). طی کاوش‌ها در جبهه جنوبی قلعه، دیواری با پهنای ۳ متر- که در هر دو نمای آن سنگ سبز رنگ به کار رفته- و یک دروازه در جنوب قلعه کشف شده است. در منابع تاریخی و طرح مطراچی (تصویر ۲)، فقط از دروازه شمالی قلعه سخن به میان آمده است؛ همچنین کشف آثاری از یک کتیبه در کنار دروازه شمالی، نشان‌دهنده آن است که این دروازه دارای کتیبه سر در نیز بوده است؛ بنابراین دو دروازه شمالی و جنوبی در راستای هم بودند و در مقابل آنها محوطه‌سازی شده بود (میرفتاح، ۱۳۷۴/ب: ۱۴-۲۵).

بر اساس اطلاعات متون، پلان قلعه به فرم مربع (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹) بود و به منزله کهن‌دژ شهر و محل سکونت ایلخان، نزدیکان وی و نهادهای دولتی به حساب می‌آمد. ابعاد این بخش ۵۰۰×۵۰۰ متر (میرفتاح، ۱۳۶۶: ۱۷۷) و بنا به گزارش منابع، درون آن نوزده بنا وجود داشت که دوازده بنای مهم آن عبارتند از: گنبد سلطانی، مدارس، خانقاه، دارالشفاء، دارالضیافه، دارالحفاظ، دارالسیاده، مساجد، خانقاه، دارالقراعه، دارالحدیث و بنای موسوم به کریاسی (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹؛ کاشانی، ۱۳۴۸: ۴۶؛ آملی، ۱۳۳۷: ۸). خیابان‌بندی شهر از روی اسلوب و با یک شبکه هندسی دقیق طرح‌ریزی گردیده و یکی از معتبرترین خیابان‌های شهر در راستای دروازه قرار داشت (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۶). کاشانی به وجود میدان‌های مختلف شهر اشاره کرده است. ظاهراً بنا به دستور اولجایتو، هر کدام از امرا در عرصه حلقه شهر و حوالی قلعه به ساخت قصرها، ایوان‌های کسروی و طارم‌های خسروی پرداختند (کاشانی، ۱۳۴۸: ۴۸ و ۷۸). خواجه رشیدالدین نیز محله‌ای مشتمل بر هزار خانه و بناهای عام‌المنفعه ساخت (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹). پس از تکمیل شهر، ایلخان مردم را از سایر ولایات به سلطانیه کوچ داد و در آن ساکن نمود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۵۶).

مشهورترین بنای شهر سلطانیه، گنبد سلطانیه است که به اعتقاد مورخان همچون وصاف‌الحضره، شمس‌الدین آملی، حافظ ابرو، میرخواند (میرخواند، ۱۳۷۹: ۳۹) و خواندمیر (خواندمیر، ۱۳۴۲: ۳۸)، اولجایتو آن را به نیت آرامگاه خویش بنیان گذاشت. این بنا شامل یک گنبدخانه عظیم هشت‌وجهی و یک اتاق مستطیل شکل است. با توجه به وجود کتیبه‌ای از جنس کاشی معرق، کار ساختمانی این بنا در سال ۷۱۰ه.ق به اتمام رسید (ثبوتی، ۱۳۷۰: ۷۶)؛ همچنین در کاوش پشت جبهه شرقی گنبد سلطانیه، شواهدی از آرامگاه سلطنتی به دست آمده که نشان می‌دهد این آرامگاه یک سردابه سلطنتی در جنوب شرقی ارگ بوده است (میرفتاح، ۱۳۷۴: ۲۱). در سلطانیه همانند شنب‌غازان، آرامگاه اولجایتو به صورت تک‌بنا نبوده و بخشی از یک مجموعه سازماندهی شده و در ارتباط با سایر فضاهای پیرامونی محسوب می‌شد. اولجایتو همچنین مسجد جامع بزرگی با دیوار کنگره‌دار و کاخی با یک حیاط چهارگوش در ابعاد ۱۰۰×۱۰۰ گز ساخت که این کاخ مهمان‌خانه یا کریاسی با ظرفیت ۲۰۰۰ نفر نیز داشت. سلطانیه پس از بخارا و تبریز سومین شهری بود که به تقلید از مستنصریه بغداد در آن مدارسی توسط اولجایتو، خواجه رشیدالدین و خواجه تاج‌الدین علیشاه ساخته شد (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹). محدوده بازار در شمال غربی شهر کنونی سلطانیه (ثبوتی، ۱۳۷۰: ۹۶) و در اطراف مسجد جامع وجود داشت. شهر دارای بیش از ده هزار دکان بود که بخشی را تاج‌الدین از سنگ و آجر و بخشی را خواجه سعدالدین از گل، خشت، رخام و مهره ساخته‌بودند (کاشانی، ۱۳۴۸: ۱۲۲). طی کاوش‌های انجام شده در این محوطه، بخشی از بازار در قالب حجره‌هایی همسان در یک نظم طولی با دیوارهای مشترک کشف گردید. احتمالاً بازار دارای چندین راسته بوده که هر کدام به صنفی از تجار تعلق داشته‌است. بنابر سنت شهرسازی ایرانی، می‌توان چنین تصویری نمود که بازار به صورت یک محور خطی در شهر ایجاد شده و محلات مسکونی در اطراف آن شکل گرفته‌اند دلیل این ادعا واحدهای مسکونی مشاهده در پشت ضلع شرقی آن است (میرفتاح، ۱۳۷۴: ۲۴).

با توجه به آنچه گفته شد، باید اذعان داشت که مکتب شهرسازی سلطانیه به تبع جهان‌بینی حاکم، وحدت در عین کثرت است. هر جزء در نوع خود کامل و مستقل و در عین حال همانند یک حلقه ارتباط و انسجام کل مجموعه را فراهم می‌آورد. نمود عینی آن طراحی بافت بازار همراه با میادین و عناصر مذهبی-اجتماعی پیرامونی است. شهر دارای سازمان شهر ایرانی-اسلامی است که الگوی آن شهرها و شهرک‌های ایلخانی پیش از خود است. در واقع سلطانیه به پشتوانه و بنا به الگوی مجموعه‌سازی ارغونیه، غازانیه و ربع رشیدی شکل گرفت. در سلطانیه اموری مانند طراحی، آبرسانی، تقسیم‌بندی محلات، دسترسی‌ها، تهیه مصالح، گردآوری نیروی انسانی متخصص و عادی، اسکان دادن افراد مختلف و تأمین

مایحتاج، سازماندهی کلیه امور شهری در ابعاد گسترده مورد توجه بود و چنین تجربه‌هایی در قالب یک شهر پدید آمد. همین عوامل باعث شد تا این شهر در دوره خود مرکز تجارت و بازرگانی داخل و خارج ایران باشد و شهرت جهانی یابد.

۲-۲-۲. سلطان آباد چمچمال

بر اساس متون تاریخی، یکی از شهرهایی که به فرمان اولجایتو ساخته شد، شهر سلطان آباد چمچمال بود. چمچمال نام دشت آبرفتی در شرق کرمانشاه و حدفاصل کوه بیستون و شهر صحنه است. موقعیت ویژه جغرافیایی، حاصلخیزی، قداست کوه بیستون، رودخانه‌های پرآب و قرار داشتن بر سر شاهراه تاریخی، پیونددهنده ایران و بین‌النهرین، باعث شکل‌گیری آثار تاریخی ارزشمندی از دوره پارینه‌سنگی تاکنون در این دشت شده است (خان‌مرادی و محمدی قصریان، ۱۳۹۱:۳۷۷). در دوره ایلخانی این منطقه به لحاظ دارا بودن پوشش گیاهی مناسب، اهمیت ویژه داشته و از مراکز اصلی پرورش اسب برای سپاهیان بوده است (رشیدیاسمی، ۱۳۶۹:۶۳). نام چمچمال را از چیمچال مغولی به معنای بریده یا قطع شده، دانسته‌اند (بوئل، ۱۳۸۱:۳۸۱). از آنجایی که در متون پیش از دوره ایلخانی از کلمه چمچمال یاد نشده است، بایستی درباره مشتق شدن این نام از زبان مغولی تأمل نمود. حمدالله مستوفی و کاشانی به ساخت این شهر به فرمان ایلخان اشاره کرده‌اند. حمدالله مستوفی سلطان‌آباد چمچمال را یکی از ولایات شانزده‌گانه کردستان دانسته و آن را هم‌تراز سلطانیه و نسخه فردوس اعلی خوانده است (مستوفی، ۱۳۶۲:۶۰۷). وی در نزهةالقلوب می‌نویسد: «سلطان‌آباد چمچمال قصبه‌ای است از اقلیم چهارم در پای کوه بیستون افتاده است. اولجایتو سلطان بن ارغون‌خان مغول ساخت. جایی خوش و هوایی به غایت خوب» (مستوفی، ۱۳۳۶:۱۶۳). توجه اولجایتو به این منطقه چنان بود که در سال ۷۱۱ ه.ق و همزمان با احداث شهر، دستور اندازه‌گیری کوه بیستون را صادر نمود و حمدالله مستوفی، خود با مهندسان آن را چهار هزار و هفتصد گز خیاطی برآورد کردند (همان، ۱۹۷). احتمالاً خواجه رشیدالدین در آبادانی چمچمال دخیل بوده؛ زیرا وی در نامه خود به مولانا صدرالدین محمد و در وصیت‌نامه‌اش از چمچمال به عنوان جزئی از املاک خویش نام برده است (همدانی، ۱۳۵۸:۲۱۰). کاشانی نیز ذیل وقایع سال ۷۱۱ ه.ق از ساخت سلطان آباد چمچمال به دستور اولجایتو سخن گفته و از آن با عنوان بغداد کوچک یاد کرده است (کاشانی، ۱۳۴۸:۴۸). معین‌الدین نطنزی (نطنزی، ۱۳۸۳:۱۱۵) و خواندمیر (خواندمیر، ۱۳۴۲:۶۷) نیز از ساخت این شهر سخن گفته‌اند. اقبال آشتیانی، هدف از ایجاد آن را جایگزینی به جای «بهار همدان» و به عنوان مرکز ایالت کردستان می‌داند (اقبال، ۱۳۶۷:۷۹). متأسفانه منابع تاریخی درباره ساختار شهری سلطان‌آباد چمچمال سکوت کرده‌اند. اطلاق لقب بغداد کوچک به این شهر که به فرمان ایلخان مغولی ساخته شده، دلیل

قاطعی بر اهمیت این شهر است تا جایی که برخی آن را تختگاه دوم اولجایتو دانسته‌اند (بویل، ۱۳۸۱:۳۶۱).

حال باید دید که سلطان‌آباد چمچمال کجاست؟ نخستین بار لوشای به بقایای بنای مغولی کوشک‌مانندی در کناره رودخانه گاماسیاب دست یافت. این بنا ۲۲ متر عرض و ۳۰ متر طول داشته (Luschey, 1990:291) و دارای یک تالار، سه ایوان جانبی و سیزده اتاق پیرامونی بوده‌است. طرح اولیه بنا با تالار مرکزی احتمالاً گنبددار با دست کم سه ایوان، قابل مقایسه با بناهای ایلخانی سیراف، تخت سلیمان و کتابخانه رصدخانه مراغه است. این بنا با گچبری‌ها، آجرکاری‌ها و کاشی‌های زیبایی مزین شده بود که کلایس با توجه به تزیینات فوق، آن را کاخ شکار اولجایتو می‌داند (کلایس، ۱۳۸۵:۲۸۹ و ۲۸۰). از این بنا سه سگه متعلق به زمان اولجایتو به دست آمده‌است (لوشای و لوشای، ۱۳۸۵:۳۷۵). در مجاورت این بنا، بنای دیگری از دوره ایلخانی کشف شد که با توجه به وجود بقایای دیوارهای قابل تشخیص در سطح زمین به نظر می‌رسد که این بناها در یک محدوده مسکونی، که نسبتاً متراکم ساخته شده‌است، قرار دارند (کلایس، ۱۳۸۵:۲۸۹). با وجود آثار پراکنده بی‌شماری اعم از سفال و آجر در محدوده غربی دیوار ساسانی کناره گاماسیاب، می‌توان انتظار کشف آثار معماری بیشتری از دوره ایلخانی را داشت. لازم به یادآوری است که در فاصله تقریبی ۱۲۰۰ متری از این بنا کاروانسرای ایلخانی بیستون قرار دارد (تصویر ۳ و نقشه ۱). به اعتقاد کلایس بنای مغولی که بر روی دیواری ساسانی ساخته شده، جزئی از شهر سلطان‌آباد است (همان، ۲۸۵).

مترجم و محمدی‌فر با توجه به نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی، تپه گرگیوند در ۵ کیلومتری شمال شرق بیستون را با سلطان‌آباد چمچمال یکی دانستند. این تپه با ۲۰ هکتار وسعت در شرق، متصل به رودخانه گاماسیاب است. بقایایی از دیوارهای حفاظ شهر که با سنگ‌های تراش‌دار ساخته شده‌اند، هنوز برقرارند. آنان بر اساس سفال سطحی تپه که مربوط به دوران سلجوقی تا ایلخانی است و یک گمانه آزمایشی در سطح تپه به این نتیجه رسیده و معتقدند که تپه گرگیوند فقط در یک دوره، مسکونی بوده‌است (مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۴:۱۰۱ و ۱۰۲)؛ اما مطالعات بعدی نشان داد که تپه مذکور دارای آثاری از عصر آهن، دوران تاریخی و اسلامی است (عیسی‌پور، ۱۳۸۵؛ سجادی، ۱۳۸۴)؛ بنابراین نمی‌توان بر اساس داده‌های سطحی به طور قطع حفاظ پیرامون تپه را به دوره ایلخانی و به‌ویژه شهر سلطان‌آباد چمچمال نسبت داد. به علاوه این محوطه ۵ کیلومتر با کوه بیستون فاصله دارد و بر اساس اظهارات مورخان، این شهر در پای کوه بیستون و بر سر راه خراسان بزرگ بنا شده‌است؛ پس آن را در فاصله نزدیکتری نسبت به کوه بیستون باید جستجو کرد.

برخی تپه هله بگ با ۴ هکتار وسعت (در غرب دشت بیستون) را با شهر سلطان‌آباد چمچمال یکی دانسته‌اند. دلایل این افراد برای این ادعا موقعیت مکانی و جغرافیایی این تپه، نزدیکی آن به بنای مغولی و کاروانسرای ایلخانی بیستون و تک دوره‌ای بودن آن است (چهری و گراوند، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد انتساب این تپه به شهر سلطان‌آباد چمچمال نادرست باشد؛ زیرا بر اساس بررسی نگارنده بر سطح تپه مذکور سفال‌های عصر آهن و دوره سلجوقی نیز قابل مشاهده است؛ بنابراین نظریه تک دوره‌ای بودن آن صحیح نمی‌باشد. علاوه بر آن به نظر نمی‌رسد که این محوطه با وسعت ۴ هکتار شهری باشد که به دستور ایلخان مغول ایجاد شده است. شاید در پیرامون دو بنای مکشوفه مهم ایلخانی، دشت بیستون، یعنی بنای مغولی کناره گاماسیاب و کاروانسرای ایلخانی (که در پای کوه بیستون قرار دارند و دست بر قضا از یکی هم سکه‌های اولجایتو به دست آمده است)، باید به دنبال شهر سلطان‌آباد چمچمال باشیم. در فاصله بین این دو بنا (نقشه ۱) در هنگام عملیات فیبر نوری در سال ۱۳۸۹ مقدار قابل توجهی آجر و قطعه سفال متعلق به دوره ایلخانی مشاهده گردید که نشان‌دهنده وجود بناهای آجری دوره ایلخانی در این محل است. این در حالی است که لوهای قبل از انقلاب نیز آثار یک محوطه مسکونی شامل بناهای خشتی را بر روی پی‌های سنگی، در عرض رودخانه گاماسیاب و بین دو بنای فوق گزارش کرده است (لوهای، ۱۳۸۵). بنای مغولی بیستون بر روی شکارگاهی از دوره ساسانی ایجاد شده است. مغولان به مسئله شکار علاقه خاصی داشتند و می‌توان یکی از دلایل ایجاد شهر سلطان‌آباد چمچمال را دارا بودن پتانسیل شکارگاهی در فصل بهار دانست. دسترسی به منابع آبی فراوان، قرار داشتن بر سر شاهراه خراسان بزرگ، حاصلخیزی، مراتع فراوان و آب و هوای مطلوب از دیگر دلایل ایجاد شهر سلطان‌آباد در دشت بیستون یا همان چمچمال است. برخلاف شهر سلطانیه، که تا حدودی از سازمان فضایی آن آگاهی نسبی داریم، درباره شهر سلطان‌آباد چمچمال اطلاعاتی در دست نیست. اگر محدوده بنای مغولی تا کاروانسرای ایلخانی بیستون را محدوده سلطان‌آباد بدانیم، آنگاه تنها فضاهای مکشوفه از این شهر عبارت‌اند از: کوشک مغولی کناره گاماسیاب و کاروانسرای ایلخانی؛ زیرا بدون انجام کاوش‌های باستان‌شناسی نمی‌توان از کارکرد و پلان بناهای مدفون این شهر آگاه شد.

۲-۳. اولجایتوآباد (سلطان‌آباد اولجایتو)

بر اساس متون تاریخی، اولجایتوآباد از دیگر شهرهایی است که اولجایتو به ساخت آن در منطقه مغان فرمان داد. منطقه مغان به واسطه دارا بودن مراتع مناسب و آب و هوای مطلوب مورد توجه مغولان بود و ایلخانان مغول در آن قشلاق می‌کردند (عوض‌پور، ۱۳۷۸: ۱۴۹). در روزگار اولجایتو نیز این منطقه همچنان در کانون توجه قرار گرفت؛ زیرا

وی یک آبراهه انحرافی از رود ارس به دشت مغان کشید (کاشانی، ۱۳۴۸:۲۳۸). مستوفی در تاریخ گزیده (۱۳۶۲:۶۰۷) و خواندمیر به ساخت این شهر اشاره کرده‌اند (خواندمیر، ۱۳۴۲:۶۷). متأسفانه درباره این شهر که با دستور اولجایتو ساخته شده مطلب دیگری در متون تاریخی نیامده است.

۲-۲-۴. آق قلعه

محوطه آق قلعه در ۸۰ کیلومتری شمال غربی سبزوار قرار دارد. نام این محوطه در هیچ کدام از منابع تاریخی دوره ایلخانی نیامده است؛ اما در سال ۱۳۶۷ لباف خانیکی به گمانه‌زنی در آن پرداخت. بر اساس مطالعات انجام‌شده، مجموعه آق قلعه برای ایجاد شهری به سبک سلطانیه زنجان ساخته شد و ساخت آن بر اساس کتیبه مسجد آق قلعه، در سال ۷۱۲ ه.ق و مقارن با حکومت اولجایتو به پایان رسید. در قسمت جنوبی و مرکزی این محوطه، جمعیت محدودی ساکن شدند و شهر پس از مدت کوتاهی متروک گردید (لباف خانیکی، ۱۳۶۷:۳). بقایای مشهود در سطح این محوطه عبارت‌اند از: ربض، خندق، برج و بارو، شارستان در ضلع شمالی و کهندژ در ضلع جنوبی. بناها از خشت و چینه بنا شده و مسجد این شهر هنوز پای برجاست.

۲-۳. نقش امرا و وزرای اولجایتو در عمران و شهرسازی

باید اعتراف نمود که شهرسازی و معماری دوره ایلخانی و از جمله شخص اولجایتو، نه تنها در سایه حمایت ایلخان، که در سایه حمایت وزرا و امرای ایرانی و عمران دوست شکل گرفت و اجرا شد. بنابر دستور اولجایتو «امرا و وزرا و سلاطین و ارباب اعمال و اصحاب اشغال هریک به قدر مکنت و اندازه طاق و پایه منزلت و مرتبت» (کاشانی، ۱۳۴۸:۷۸)، در سلطانیه بناهایی ساختند. خواجه رشیدالدین از جمله شخصیت‌های برجسته‌ای است که در کنار اولجایتو نقش مهمی در عمران و شهرسازی این دوره داشت. وی نظریه پرداز اصلاحات غازانی بود و تجارب موفقی در شهرسازی داشت. بدون شک نقش مهم وی در ساخت شب غازان غیر قابل انکار است. خواجه در احداث شهر سلطانیه هم از نظر تجارب موفق پیشین و هم از نظر تخصیص هزینه‌های ساخت و ساز و احداث محله و بناهای عام‌المنفعه نقش شایانی داشت. او در آن شهر، محله‌ای با هزار خانه ساخت. وی در این محله عمارتی عالی با دو مناره در طرفین ایوان آن، مدرسه، بیمارستان و خانقاه ساخت و برای هر یک موقوفات جداگانه‌ای اختصاص داد (حافظ ابرو، ۱۳۵۰:۶۹). در نامه‌ای پشم پنج هزار گوسفند را برای بافت زیلو برای خانقاه همدان، مدرسه ارزنجان و مدرسه خانقاه سلطانیه تعیین نمود (همدانی، ۱۳۵۸:۱۰۵). در مدرسه، خانقاه و بیمارستان وی، مدرسان، طلاب و اطباء مشغول بودند و از موقوفات بهره می‌بردند (خواندمیر، ۱۳۴۲:۴۲۸).

۳۰/ نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی...

تاج‌الدین علیشاه، وزیر اولجایتو و رقیب رشیدالدین از دیگر چهره‌های مؤثر در ساخت شهر سلطانیه بود. او برای جلب توجه سلطان و رقابت با رشیدالدین، بازار بزازان را که بازاری نیکو بود ساخت که به مذاق اولجایتو خوش آمد (حافظ ابرو، ۱۳۵۰). این بازار بسیار کم‌خرج بود و از سنگ و آجر پخته ساخته شده بود. وی در پیشگاه دروازه عمارتی به نام بهشت بنا نمود که برای ساخت آن ده‌هزار دینار هزینه کرد و برای تزئین در و دیوارهای آن از طلا، مروارید و جواهرات و برای تزئین کف و دیوار از یاقوت، فیروزه و زمرد سبز و کهربا استفاده نمود (کاشانی، ۱۳۴۸: ۱۲۲). شایان ذکر است که در تاج ایوان‌های سلطانیه و بر روی گچ‌کاری‌های مرحله دوم، نام وی در کنار نام اولجایتو دیده می‌شود (مخلصی، ۱۳۶۹: ۱۳). خواجه سعدالدین وزیر دیگر اولجایتو نیز بخشی از ده هزار دکان بازار سلطانیه را از گل، خشت، رخام و مهره ساخت که البته بازار تاج‌الدین به دلیل کم‌خرج بودن، بر بازار وی برتری داشته است (کاشانی، ۱۳۴۸: ۴۸). اولجایتو با مدد گرفتن از وزرا و امرای خود، علاوه بر یاری گرفتن از تجارب در ساخت فضاهای شهری از ثروت فراوان آنان نیز در این راه یاری می‌جست؛ در عوض، آن اشخاص نیز علاوه بر ثواب الهی به جایگاه خود نزد سلطان افزوده و در این خصوص کوشیدند از رقبای خویش پیشی بگیرند.

۳. نتیجه گیری

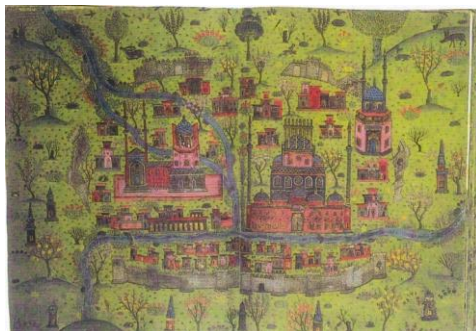
در زمان اولجایتو آرامشی نسبی بر کشور حاکم بود و تجارب شهرسازی موفق‌تری در روزگار ایلخانان پیشین، خاصه ارغون و غازان کسب شده بود؛ بنابراین وی با توجه به خزانه آکنده و برجای مانده از برادر و همچنین تجارب موجود، به تکمیل و ساخت شهرهای جدید از جمله سلطان‌آباد چمچمال، سلطانیه، اولجایتوآباد و آق‌قلعه اقدام نمود. احداث شهر در مناطق خوش آب و هوا، شکارگاه‌های شاهی و چمنزارهای سرسبز از نکات مهم در مکان‌گزینی این شهرها بوده است. دو شهر مهم این دوره سلطانیه و سلطان‌آباد چمچمال بوده که در آثار مورخان عصر ایلخانی و تیموری از آنها بسیار یاد شده است. در کنار اولجایتو شخصیت‌های دیگری در ساخت شهرها و مرمت ابنیه مشارکت داشتند که می‌توان به خواجه رشیدالدین فضل‌الله، تاج‌الدین علیشاه و خواجه سعدالدین اشاره کرد؛ هرچند به استثنای سلطانیه از سازمان فضایی شهرهای احداث شده در این دوره، اطلاعات کاملی در دست نداریم، اما با توجه به بقایای برجای مانده از آنها و همچنین گزارش‌های مورخان و تجارب به‌دست آمده در زمینه شهرسازی از دوره غازان، می‌توان احتمال داد که شهرهای اولجایتو نیز از بخش‌های کهن‌تر، ربض و شارستان تشکیل شده‌اند. درون کهن‌تر نیز عمارات متعدّد و بناهای عام‌المنفعه گوناگونی ساخته شده که از سلطان‌آباد چمچمال،

کاروانسرا و کوشک و از آق قلعه، مسجد جامع آن برجای مانده است. به علاوه بقایای بناهایی از خشت و آجر از شهرهای نامبرده گزارش شده است که احتمالاً به بناهای مسکونی تعلق دارند. در این بین سلطانیه شانس بیشتری در شناسایی فضاهای شهری دارد و به استناد منابع تاریخی و کشفیات باستان‌شناسی تدابیر لازم برای سکونت در آن، که مقرّ حکومتی ایلخان نیز بود، اندیشیده شده بود؛ زیرا شهر با اندیشه و نقشه از پیش طراحی شده، در کاربری‌های شهری به همه نیازها توجه و بناهایی اعم از مسجد، مدرسه، بیمارستان، خانقاه، کتابخانه، بیت‌القانون، دارالضیافه، بازار، دارالسیاده، کاروانسرا و ... در آن پیش‌بینی شده است. با وجود اجزا و عناصر گوناگون، گنبد سلطانیه یا ابواب‌البر بارزترین عنصر و هسته مرکزی شهر به شمار می‌رود و با وجود تنوع فضاها و عناصر، تعامل اجزا با یکدیگر به عنوان یک کل منسجم مشهود است. این شهر نمونه تکامل‌یافته شهرهای پیش از خود است، زیرا شنب‌غازان و ربع رشیدی با وجود آنکه بسیاری از عناصر و فضاها در آنها لحاظ شده بود، به صورت شهرکی در حاشیه شهر تبریز قرار داشتند؛ اما سلطانیه شهری دارای یک هویت شهری جداگانه، پایتخت اولجایتو و مرکز سیاسی و اقتصادی ایران بود؛ بنابراین اولجایتو با ایجاد چهار شهر جایگاه برتر و درخور توجهی نسبت به هم‌تایان خود در دوره ایلخانی دارد.

یادداشت

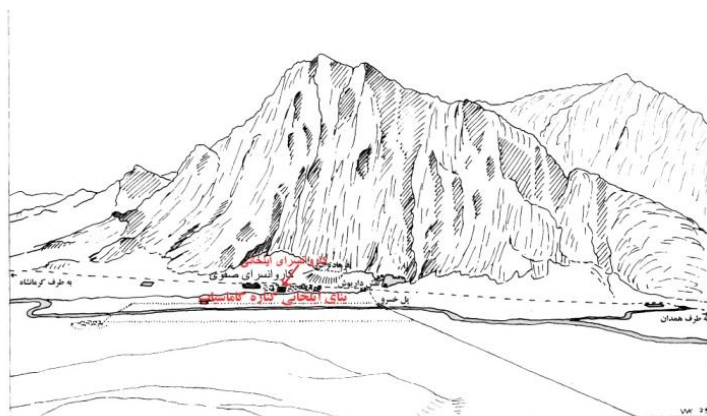


تصویر ۱. طرح کرپورتر از برج و بارو سلطانیه (مهریار و دیگران، ۱۳۶۵: ۲۲۰)



۳۲/ نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی...

تصویر ۲. طرح نضوح مطراقچی از سلطانیه که در سال‌های ۹۴۴-۹۴۳ ه.ق کشیده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱:۳۱).



تصویر ۳. موقعیت بناهای ایلخانی نسبت به کوه بیستون (Luschey, 1990:291)



نقشه ۱. محدوده پیشنهادی برای جانمایی شهر سلطان آباد چمچمال (نگارنده)

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آملی، شمس‌الدین محمد بن محمود. (۱۳۳۷). *نفایس الفنون فی العرایس العیون*. تصحیح ابراهیم میانجی. تهران: اسلامیه.
۲. اشیپولر، برتولد. (۱۳۶۵). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. اقبال، عباس. (۱۳۷۹). *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*. تهران: امیرکبیر.

۴. بلر، شیلا و جاناتان بلوم. (۱۳۸۱). *هنر و معماری اسلامی* (ج ۲). ترجمه یعقوب آژند. تهران: سمت.
۵. ثیوتی، هوشنگ. (۱۳۷۰). *بررسی آثار تاریخی سلطانیه*. زنجان: کتابفروشی ستاره.
۶. حافظ ابرو. (۱۳۵۰). *ذیل جامع التواریخ رشیدی*. به اهتمام خانبابا بیانی. تهران: انجمن آثار ملی.
۷. حمزه لو، منوچهر. (۱۳۸۱). *هنرهای کاربردی در گنبد سلطانیه*. تهران: ماکان.
۸. خواندمیر. (۱۳۴۲). *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر* (ج ۳). تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: خیام.
۹. سجادی، علی. (۱۳۸۴). *گزارش گمانه‌زنی دشت بیستون*. مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بیستون (منتشر نشده).
۱۰. رشیدیاسمی، غلامرضا. (۱۳۶۹). *کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او*. تهران: چاپ افست.
۱۱. عوض‌پور، اعظم. (۱۳۷۸). *دشت مغان در گذر زمان*. تهران: انوار.
۱۲. عیسی پور، کیوان. (۱۳۸۵). *گزارش لایه‌نگاری تپه گرگیوند*. مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی بیستون (منتشر نشده).
۱۳. کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. (۱۳۴۸). *تاریخ اولجایتو*. به اهتمام مهین همبلی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴. کلاویخو. (۱۳۶۶). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۵. لباف خانیکی، رجبعلی. (۱۳۶۷). *گزارش گمانه‌زنی در شهر تاریخی آق قلعه سبزوار*. مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی (منتشر نشده).
۱۶. مخلصی، محمدعلی. (۱۳۶۹). *جغرافیای تاریخی سلطانیه*. زنجان: چاپ عرفان.
۱۷. مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر. (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*. به کوشش محمد دبیرسیاقتی. تهران: طهوری.
۱۸. _____ (۱۳۶۲). *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
۱۹. میرخواند، میرمحمد بن سیدبرهان الدین. (۱۳۳۹). *روضه‌الصفاء* (جلد ۵). تهران: خیام.
۲۰. نظری، معین‌الدین. (۱۳۸۳). *منتخب‌التواریخ*. به اهتمام پروین استخری. تهران: اساطیر.
۲۱. وصاف الحضرة. (۱۳۴۶). *تحریر تاریخ وصاف*. تصحیح عبدالحمید آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۲. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۶۸). *تاریخ مبارک غزانی*. تصحیح و اهتمام کارل یان. اصفهان: پرسش.

۳۴/ نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی...

۲۳. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۳۸). **جامع التواریخ** (جلد ۲). به کوشش بهمن کریمی. تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسن اقبال و شرکا.

۲۴. _____ (۱۳۵۸). **سوانح الافکار رشیدی**. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: دانشگاه تهران.

ب. مقاله‌ها

۲۵. اللهیاری، فریدون. (۱۳۸۳). «تحلیلی بر بازتاب اصلاحات غزانی بر روند بازسازی شهرهای ایران». **مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان**، شماره ۳۶-۳۷، صص ۳۷-۵۰.

۲۶. بلر، شیلا. (۱۳۹۰). «سلطانیه پایتخت سلطنتی مغول». **درج در: باستان‌شناسی ایران در دوره اسلامی**. به کوشش محمدابراهیم زارعی. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۲۷. _____ (۱۳۸۷). «الگوهای هنرپروری و آفرینش‌های هنری در ایران دوره ایلخانیان مورد خواجه رشیدالدین». ترجمه ولی‌الله کاوسی. **گلستان هنر**، شماره ۱۳، صص ۳۲-۴۷.

۲۸. بویل، ج. آ. (۱۳۸۱). «تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان». **درج در: تاریخ ایران کمبریج** (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان). به کوشش ج. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. جلد ۵. تهران: امیرکبیر.

۲۹. چهری، محمداقبال و زاهد گراوند. (۱۳۹۱). «در جستجوی سلطان‌آباد چمچمال: مقایسه در منابع تاریخی با یافته‌های باستان‌شناختی تپه هله بگ». **مطالعات باستان‌شناسی**. دوره ۱. شماره ۶، صص ۵۱-۶۱.

۳۰. خان مرادی، مژگان و سیروان محمدی قصریان. (۱۳۹۱). «تاریخچه مطالعات باستان‌شناسی دشت بیستون». **درج در: مجموعه مقالات همایش ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران**. به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری. تهران: پازینه، صص ۳۷۷-۴۰۰.

۳۱. رضوان، همایون و حسن کریمیان. (۱۳۹۳). «طلوع و غروب یک پایتخت: شکل‌یابی، توسعه، اقتدار و اضمحلال شهر سلطانی». **مطالعات باستان‌شناسی**. دوره ۶، شماره ۱، صص ۳۹-۵۴.

۳۲. کلایس، ولفرام. (۱۳۸۵). «معماری بنای مغولی بر روی دیوار ساسانی کناره رودخانه»، **درج در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳**. به کوشش ولفرام کلایس و پتر کالمایر. ترجمه فرامرز نجد سمعی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. صص ۲۸۵ تا ۳۲۲.

۳۳. لوشای، هاینس. (۱۳۸۵). «دهکده بیستون قبل از تخریب در سال ۱۹۷۶»، **درج در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳**. به کوشش ولفرام کلایس و پتر کالمایر. ترجمه فرامرز نجد سمعی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. صص ۳۹۷ تا ۴۱۰.

لوشای، ایلش و هاینس لوشای. (۱۳۸۵). «سکه‌های مربوط به بنای مغولی»، **درج در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳**. به کوشش ولفرام کلایس و پتر کالمایر. ترجمه فرامرز نجد سمعی. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

۳۴. مترجم، عباس و یعقوب محمدی فر. (۱۳۸۴). «پیشنهادی برای تعیین محل شهر ایلخانی سلطان آباد چمچمال (بغداد کوچک) در بیستون کرمانشاه». **پیام باستان‌شناسی**. شماره سوم، صص ۹۵-۱۰۴.
۳۵. مشهدی‌زاده، ناصر. (۱۳۷۹). «نگاهی گذرا به شهرنشینی و شهرسازی ایران پس از هجوم مغولان». **مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغولان به ایران و پیامدهای آن** (جلد ۲). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳۶. مهریار، محمد، احمد کیبیری و فائق توحیدی. (۱۳۶۵). «بررسی و پیگردی مقدماتی برج باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه زمستان ۱۳۶۴». **مجله اثر**. شماره ۱۴-۱۲، صص ۲۰۹-۲۶۹.
۳۷. میرفتاح، علی اصغر. (۱۳۷۴/الف). «سلطانیه». **میراث فرهنگی**. شماره ۱۳، صص ۱۴-۲۵.
۳۸. _____ (۱۳۶۶). «سلطانیه». **درج در: شهرهای ایران** (جلد ۴). به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳۹. _____ (۱۳۷۴/ب). «پایتخت‌های ایلخانیان». **درج در: پایتخت‌های ایران**. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: میراث فرهنگی.
۴۰. نقره‌کار، عبدالحمید، محمدعلی کی‌نژاد و آرزیتا بلالی اسکویی. (۱۳۹۱). «سازمان فضایی شهرهای ابواب‌البر دوره ایلخانی». **مطالعات معماری ایران**. شماره ۲، صص ۴۷-۶۳.

ج. منابع لاتین

- Luschey, H, 1990, "Bisotun II. Archaeology", **Encyclopedia Iranica**, Yarshater, E(ed), Vol. IV, London and New York: Routledge & Paul, 289-299.

